

## پاسخ درست، در مطلب قبلی نهفته است (حاشیه ای بر جوابیه "هیات موسس")



صدیق جهانی

مطلب روز چهارشنبه 07/01/03، اساسا دو موضوع مشخص و بسیار روشن را تعقیب نمود. نخست، "هیات موسس" و دوم تشکل کارگران بیکار و اخراجی. اگر بار دیگر، با دقت و بدون هیچ گونه تعصب فرقه ای، به عنوان آن مطلب و مهمتر از هر چیز به مضمون شفافش توجه کنید، آنگاه متوجه می شوید که این تنها جوابیه شماست که ربط خاص و اصولی به موضوع ندارد. زیرا در آن مطلب گفته نشده که شما "مجمع عمومی برگزار کرده اید. درست بر عکس ادعای که مطرح نموده اید، آن مطلب دقیقا 7 روز قبل از 22 دی ماه سال 85 و انتشار بیانیه اعلام موجودیت "هیات موسس" از جانب شما، نشر یافته است.

بنابراین، اگر با مقداری دقت به محتوای مطلب توجه می کردید، آنگاه از لحن غیر اجتماعی که در جوابیه تان بیکار برده اید، خوداری می کردید. حتما در حین نوشتن جوابیه، فرض را بر اختلاف زمانی و مصافت راه قرار داده اید و اگر نه تا این حد غیر مسئولانه دست به قلم نمی بردید.

اولا، ما در بطن اوضاع و احوالی زندگی می کنیم که دنیا به صورت یک دهکده کوچک درآمده است. در چنین دنیا و دهکده ای، خیلی سریع اخبار رویدادهای روز و از جمله حرکات "هیات موسس"ی که شما در جهت ایجاد "اتحادیه بیکاران" و "کارگران اخراجی" تشکیل داده اید، قابل مشاهده و به اطلاع همه می رسد. پس می بایستی در ذهن خود، بنده را بعنوان عنصری از این دهکده بحساب می آوردید و فرض را بر آن اساس قرار می دادید که شاید نویسنده ( صدیق جهانی) از موضوع اطلاع دارد و یا شاید ساعت ها در مورد "هیات موسس" و فراخوان ایجاد "اتحادیه بیکاران" و "اخراجی" با همسرنوشتان خود تبادل نظر کرده باشد. راستش از متدلوژی که شما در پیش گرفته اید، هیچ حالی نیستم. مگر می شود کسی در مورد پدیده ای بی خبر باشد، اما مدت ها قبل در مورد آن اظهار نظر کند؟ مگر آنچه که من در موردش اظهار کردم، رخ نداد؟

نارسایی فراخوان و تبادل نظر در مورد "هیات موسس" و ایجاد "اتحادیه بیکاران" از طرف خود شما، آغاز گردید. اولاً، قضیه بدین شرح است که شما گرایشی به موضوع سازمانیابی بیکاران برخورد کردید. دوما، واقعیتی که ذکر شد، در رفتار اخیرتان مبنی بر حذف کارگران پیشرو و از سوی دیگر مشارکت با تعدادی از کارگران بیکار و اخراجی در سطح شهر سنندج، گویا و به روشنی قبل لمس است. سوماً، هدف اولیه شما از اینگونه حرکت، اساسا بر آن مبنا استوار بود که دست خود را جلو بیاندازید و حداقل در سطح شهر سنندج و یکی دو شهر دیگر، "هیات موسس" و "اتحادیه بیکاران" و "اخراجی" را ایجاد نماید، تا بلکه از آن طریق کارگران پیشرو را به حاشیه برانید. اگر چنین مسابقه ای، متحقق می شد، طبقا به حال انسجام و همبستگی طبقه کارگر زبانبار بود. زیرا در گام های نخست، به فرقه گرای در درون جنبش کارگری دامن می زد.

اما از آنجاییکه که حرکت شما، با مخالفت کارگران پیشرو رودرو قرار گرفت، بعداً از نحوه کار و تعجیل بر سر ایجاد "اتحادیه" کوتاه آمدید. سوماً، موضوع سازمانیابی کارگران بیکار و اخراجی تازه نیست و در جامعه کردستان حداقل تاریخ 28 سال را پشت سر دارد. چهارماً، تا آنجاییکه به اختلافات هفته های اخیر، مبنی بر "هیات موسس" و از سوی دیگری نحوه ایجاد "اتحادیه بیکاران" و ... برگردد، موضوع بسیار روشن است. بر خلاف آنچه که در جوابیه "هیات موسس" آمده، مدتهاست که فعالین کارگری در داخل و خارج از کشور و در حول و حوش ایجاد تشکل بیکاران و .. با یکدیگر بحث و تبادل نظر می کنند. هدف بنده هم دامن زدن به اینگونه دیالوگ پیرامون سنت های پیشرو، زائد و غیر کارگری بود.

درنوشته قبلی، به روشنی و به شیوه ای خیلی سازنده و طبقاتی، به ریشه اختلافات و آن موضوع که کارش امر و نهی کردن به فعالین جنبش کارگری است، برخورد کرده و مهمتر از آن، مشارکت وسیع و حرکت جمعی از جانب کل بیکاران را مبنای چه باید کرد قرار داده بودم. متأسفانه، درجوابیه و اساساً در متد و لحنی که "هیات موسس" بکار برده، به مسئله اتحاد کارگری توجه چندانی نکرده است. اینگونه ظرفیت و دیالوگ، نشان می دهد که این دسته از فعالین کارگری، از ناکامی "کمیته پیگری" درس نگرفته و کماکان فرهنگ غیر رادیکال و رفرمیستی را پیرامون سازمانیابی کارگران مانند یدک به دنبال خود می کشند. این در حالی است که طبقه کارگر تجربه منفی گرایش رفرمیستی را به درازی عمرش تجربه کرده و کماکان از لایه های زیانبار آن رنج می برد. به امید اینکه "هیات موسس"، به زایعه ای که گرایش رفرمیستی بر پیکر جنبش طبقه کارگر فرود آورده، توجه کند و بجای اشاعه سنت های بروکراتیسم و غیر مفید و هم گام با کارگران پیشرو، مبارزه ضد سرمایه داری را در تمام شئون زندگی در دستور کار خود قرار دهد.

**پیش بسوی ایجاد تشکل های مستقل کارگری**

**صدیق جهانی**

09-01-2007